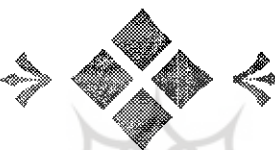


نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی

قسمت دوم

مرتضی کریمی نیا



مجموع نوشتار حاضر دارای هشت بخش است. سه بخش نخست (الف. موارد ترجمه نشده؛ ب. اشکالات نحوی و ساختاری؛ ج. تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح) را در قسمت پیشین این مقاله آوردیم. مطالب این قسمت به ترتیب چنین است:

د- اشکالات لغوی و صرفی

ه- تفاوت یا تضاد در ترجمه عبارت ها، ترکیب ها و آیه های مشابه

و- بررسی برخی آیه ها که آزاد و غیر مطابق ترجمه شده

ز- تقدیرهای دلخواه و متغایر

ح- بررسی نگارش فارسی جملات و ویرایش ظاهری ترجمه.

د- اشتباهات صرفی و لغوی

۵۱. اشتراء: أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى (بقره/۲/۱۶) «آنها کسانی هستند که «هدایت» را به «گمراهی» فروخته اند». ماده اشتراء درست ترجمه نشده است. «اشترؤوا الضلالة بالهدی» یعنی گمراهی را به [بهای] هدایت خریده اند. ترجمه آیه ۸۶ بقره نیز نادرست است: «آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند». در ترجمه اشْتَرَوُا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى (بقره/۲/۱۷۵)، گفته اند: «گمراهی را با هدایت مبادله کرده اند». این ترجمه به

معنای درست نزدیک تر است، اما معلوم نیست چه فروخته اند و چه خریده اند. آخرین مورد، آل عمران/ ۳/ ۱۷۷ است که در ترجمه آن ثمن و مِثْمَن را درست معین کرده اند: الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ «کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند».

۵۲. مَصْدَقٌ: وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ (بقره/ ۲/ ۴۱) «و به آنچه نازل کرده ام [= قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد». کلمه مَصْدَقٌ را نادرست ترجمه کرده اند. مَصْدَقٌ یعنی تصدیق کننده و قبول کننده. و ترجمه صحیح آیه چنین می شود: «و به آن چه نازل کرده ام [= قرآن]، که آن چه را نزد شماست [= تورات] تصدیق می کند، ایمان بیاورید». منظور این است که قرآن انبیاء پیشین و کتاب های آنان را باور و قبول دارد؛ منکر آن ها نیست بلکه مَصْدَقٌ آن ها است. اما برگردان آیه الله مکارم چنین می گوید که کتاب های پیامبران پیشین مانند تورات، مَصْدَقٌ قرآن هستند و نشانه هایی داده اند که اکنون در قرآن هست. و این نشانه های قرآن با آن کتب مطابقت دارد. بنابراین مفهوم آیه به عکس شده است. این اشتباه در ترجمه آیاتی دیگر همچون بقره/ ۲/ ۸۹ و ۱۰۱؛ آل عمران/ ۳/ ۳؛ نساء/ ۴/ ۴۷ هم آمده است. اما آیه های بقره/ ۲/ ۹۱؛ آل عمران/ ۳/ ۳۹ و ۵۰ و ۸۱؛ مائده/ ۵/ ۴۶ و ۴۸؛ انعام/ ۶/ ۹۲؛ صف/ ۶۱/ ۶ و جز این ها از این نظر درست ترجمه شده است.

۵۳. سُوءٌ: يَسُوءُكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ (بقره/ ۲/ ۴۹) «همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند». «سوء العذاب» درست ترجمه نشده است. این ترجمه برای عبارت سُوءَ الْعَذَابِ مناسب است که افعال التفضیل است و مثلاً می توان آن را در ترجمه اشد العذاب (غافر/ ۴۰/ ۴۶) به کار برد. برای ترجمه درست «سوء العذاب» باید بگوییم: عذابی سخت. اشکال یاد شده بر ترجمه آیه مشابهی در ابراهیم/ ۱۴/ ۶ نیز وارد است. البته مترجم محترم کلمه «سوء» را در آیات اعراف/ ۷/ ۱۶۷؛ انعام/ ۶/ ۱۵۷؛ غافر/ ۴۰/ ۴۵ درست ترجمه کرده اند؛ به ترتیب: عذاب سختی، مجازات شدید و عذاب شدید. در آیه اعراف/ ۷/ ۱۴۱ نیز اصلاً ترجمه نکرده اند.

۵۴. آخِرٌ: الدَّارِ الْآخِرَةِ (بقره/ ۲/ ۹۴) «سرای دیگر». مترجم در این جا میان آخِر و آخَر تفاوتی ننهاده است و آخِر را به معنای آخَر ترجمه کرده است. آخَر به معنای «دیگر»

است و آخر به معنای «پسین» و «بعدی». این اشتباه در ترجمه حاضر به صورت های مختلف تکرار شده است. کلمه آخرت در بقره/۲/۱۱۴ و ۱۳۰ به معنای سرای دیگر و جهان دیگر گرفته شده است. الیوم الاخر در آیه (آل عمران/۳/۱۱۴) به «روز دیگر» ترجمه شده است (ضمناً همین کلمه واحد در موارد دیگر به روز رستاخیز (بقره/۲/۸)؛ روز بازپسین (بقره/۲/۱۲۶)؛ روز قیامت (بقره/۲/۲۳۲) روز واپسین (نساء/۴/۱۲۶)؛ و روز جزا (مائده/۵/۶۹) ترجمه شده است).

مترجم محترم در برخی آیات قرآن کریم، میان آخرین و آخرین تفاوت نگذاشته اند و هردو را به «دیگران» ترجمه کرده اند. «دیگران» ترجمه آخرین است چنان که به درستی در ترجمه 'ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ' (شعراء/۲۶/۶۶) آورده اند: «سپس دیگران را غرق کردیم». اما ترجمه آیه 'فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ' (زخرف/۴۳/۵۶) را نادرست انجام داده اند: «و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم». به جای دیگران باید بگوییم «آیندگان» یا «امت های بعد».

از همه نادرست تر، ترجمه آیه ص/۳۸/۷ است: ما سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ «ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده ایم». «الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ» یعنی دین اخیر و واپسین که شاید مراد از آن آیین مسیح باشد. آن چه ایشان ترجمه کرده اند، ترجمه خوبی برای «الْمِلَّةِ الْآخِرَى» است.

۵۵. اِنْسَاء: ما نُنْسَخُ مِنْ آيَةٍ اَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا اَوْ مِثْلِهَا (بقره/۲/۱۰۶) «هر حکمی را نسخ کنیم و یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می آوریم». ترجمه فعل «نُنسِئُهَا» نادرست است. «انْسَاء» دو معنا دارد: یکی از ماده نَسِيَ (که ناقص است) به معنای فراموشاندن و از خاطر بردن. دیگری از ماده نَسَأَ (که مهموز است) به معنای تاخیر انداختن، ترک کردن و وانهادن. ^۱ نُنسِئُهَا در این آیه، ناقص است نه مهموز و به سبب حرف شرط «ما» مجزوم شده و لام الفعل آن افتاده است. اگر این فعل، مهموز (به معنای تاخیر انداختن) بود، باید نُنسِئُهَا نوشته می شد. مولف المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم نیز این کلمه را در ذیل ماده «نَسِيَ» آورده اند نه «نَسَأَ».

ببفزاییم که اساساً معنای تأخیر انداختن در این آیه مناسب نیست؛ نمی توان گفت: هر آیه ای را که خداوند نسخ کند یا (بیان) آن را به تاخیر اندازد، بهتر از آن را می آورد. چرا که تأخیر انداختن یک حکم به معنای آن است که حکمی ابلاغ نشود، اما بالاخره آن

حکم ابلاغ خواهد شد زیرا فرض آن است که فعلاً به تاخیر افتاده است. این معنا با نسخ سازگار نیست. چگونه می‌توان حکمی را به تاخیر انداخت و بهتر از آن را آورد و دوباره همان حکم متاخر را فراخواند؟ شگفت آن‌که مترجم محترم، ضمیر «ها» در «نُنْسِيهَا» را به «آیه» (که مؤنث است) ارجاع نداده‌اند، بلکه آن را به مصدر «نسخ» برگردانده‌اند و گفته‌اند: «هر حکمی را نسخ کنیم یا نسخ آن را به تاخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می‌آوریم». اشکال این سخن آن است که اگر نسخ یک حکم [نه خود آن حکم] به تاخیر افتد آن حکم، هنوز باقی است و نسخ نشده است، پس دیگر نمی‌توان همانند یا بهتر از آن را آورد.

۵۶. مَحِيضٌ: يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ (بقره/۲/۲۲۲) «از تو درباره خون حیض سؤال می‌کنند». «مَحِيضٌ»، مصدر میمی است مانند مَجِيئٌ. و در ترجمه آن باید گفت قاعدگی یا عادت ماهانه. مترجم گرامی همین دو معادل صحیح را در موارد دیگر فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ (بقره/۲/۲۲۲) و وَاللَّائِي يَنْسِنَ مِنَ الْمَحِيضِ (طلاق/۴/۶۵) به کار برده‌اند.

۵۷. سَرَاءٌ: قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَاءُ وَالسَّرَاءُ (اعراف/۷/۹۵) «به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید». سَرَاءٌ به معنای ناراحتی مالی نیست. اصلاً معنای ناراحتی و ناخوشی نمی‌دهد. برعکس معنای آن خوش و توانگری و راحتی است. «سَرَاءٌ» از ماده سرور (سَرَّ) است و معنای آن متضاد «ضَرَاءٌ» است. مترجم محترم این کلمه را در آیه (آل عمران/۳/۱۳۴) درست ترجمه کرده‌اند: يُنْفِقُونَ فِي السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ «در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند».

۵۸. زوج: وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ (رعد/۱۳/۳) «و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید». کلمه زوج در زبان عربی، به معنای جفت دوتایی نیست بلکه معنای آن «فرد» و «تا» است، البته فردی که قرین و نظیری دارد. مثلاً به هریک از زن و شوهر زوج می‌گویند. بنابراین زوجین معنای یک جفت دوتایی می‌دهد نه دو جفت [به معنای چهار فرد]. این مسأله بسیار روشن است و کتب لغت، تفسیر و غریب القرآن به آن اشاره کرده‌اند.

مترجم محترم در برخی آیات کلمه‌های زوجین و ازواج را درست ترجمه کرده‌اند. مثلاً در ترجمه «زوجین اثنین» در هود/۱۱/۴۰ آورده‌اند: «یک زوج» و در

مؤمنون/۲۳/۲۷ گفته اند: «یک جفت». کلمه زوج در آیات زیر نادرست ترجمه شده است: وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ (ناریات/۵۱/۴۹) «و از هر چیز دو جفت آفریدیم». وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (نجم/۵۳/۴۵) «اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید». در این آیه اخیر و نیز آیه مشابه (قیامة/۷۵/۳۹) «الذکر والانثی» بدل برای «الزوجین» است و روشن می کند که مراد دو مذکر و دو مونث نیست بلکه یک زوج نر و ماده است.

آخرین آیه ای که در این بحث می آوریم چنین است: ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ... وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ... (انعام/۶/۱۴۴-۱۴۳) «هشت جفت از چهارپایان (برای شما آفرید)؛ از میش دو جفت و از بز دو جفت؛... و از شتر یک جفت و از گاو هم یک جفت (برای شما آفرید)»... سخن اصلی در ترجمه «ثمانیة ازواج» است. «ثمانیة ازواج» یعنی هشت تا (حیوان): دو گاو (نر و ماده) دو بز (نر و ماده) دو شتر (نر و ماده) و دو گاو (نر و ماده) که بر روی هم چهار جفت حیوان می شوند نه هشت جفت. وقتی خداوند چهار جفت یعنی هشت حیوان را حلال کرده باشد، هشت جفت و بیشتر از آن نیز حلال است.

پس از آن که مترجم محترم «ثمانیة ازواج» را به هشت جفت ترجمه کرده اند، در شمارش این هشت جفت نیز سهوی رخ داده است، به این صورت که «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ» را به «دو جفت میش و دو جفت بز» ترجمه کرده اند، اما «مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ» را «به یک جفت شتر و یک جفت گاو» برگردانده اند. بنابراین مترجم دست آخر شش جفت حیوان را برشمرده اند لیکن نه هشت جفت درست است و نه شش جفت. چهارپایان یاد شده هشت تا (چهار جفت) هستند.

۵۹. صاحب: ماضِلٌ صَاحِبُكُمْ (نجم/۵۳/۲) «که هرگز دوست شما [= محمد «ص»] منحرف نشده». «صاحب» به معنای همراه و همنشین است. مترجم محترم از سه آیه مشابه با آیه ذکر شده، تنها آیه ' مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ (اعراف/۷/۱۸۴) را درست ترجمه کرده اند: «همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد».

مترجم در ترجمه برخی ترکیبات، برابری خوبی انتخاب کرده اند مثلاً اصحاب الفیل: فیل سواران. اصحاب السفینة: کشتی نشینان. اصحاب النار و اصحاب الجنة: دوزخیان و بهشتیان. اما در برخی واژه های دیگر، معادل نادرست به کار برده اند. مثلاً

در ترجمه 'یا صاحبِی السُّجُنِ (یوسف/۱۲/۴۱ و ۲۹) گفته اند: «ای دوستان زندانی من». آن دو نفر، دوستان حضرت یوسف علیه السلام نبوده اند بلکه همراه و همنشین او در زندان بوده اند: وَدَخَلَ مَعَهُ السُّجُنَ فَيَتَانِ (یوسف/۱۲/۲۶). صاحب السجن به معنای «هم زندانی» یا «هم بند» است.

در ادامه این نوشتار، متناسب با بخش های بعدی، به برخی از دیگر نکات صرفی و لغوی ترجمه حاضر اشاره خواهد شد (فی المثل در شماره های ۸۹، ۹۴ و ۱۰۰).

هـ- تفاوت یا تضاد در ترجمه عبارات ها، ترکیب ها و آیه های مشابه

یک اصل مهم در ترجمه قرآن کریم آن است که ترکیب ها و جمله های مشابه را هماهنگ و یکسان ترجمه کنیم. نباید بدون هیچ دلیل قاطع و قانع کننده ای از این اصل عدول کنیم. ناآگاهی و عدم احاطه مترجمان به جملات و تعبیرات یکسان در قرآن کریم، سبب شده است تا در امانت الهی دست برده و این گونه جملات را هر جا به نوعی ترجمه کنند. افزوده هایی که امروزه مترجمان در درون قلاب یا بین الهالین می آورند نیز به همین اشکال مبتلاست.

تفاوت در ترجمه جملات مشابه قرآن، گاه چندان فاحش و زیاد نیست، اما مترجمان هیچ دلیل موجهی برای عدول از یکسانی و هماهنگی در ترجمه خود ندارند. به کدام دلیل، تعبیرات و جمله های ساده ای همچون «اولی الالباب»، «الحمد لله رب العالمین»، «یا ایها الذین آمنوا» و جز آن را می توان به چند گونه ترجمه کرد؟ چرا باید از کلمه و جمله ای یگانه که خداوند متعال در چند آیه از قرآن کریم آورده است، ترجمه های ناهمسان و دلخواه انجام داد؟ چگونه می توان ثابت کرد که «ثم استوی علی العرش» یا «جنات تجری من تحتها الانهار» در یک جا معنایی کاملاً متفاوت با آیه دیگر می دهد؟ (با فرض آن که هدف ترجمه مطابق با اصل است نه تفسیر).

یک علت برای عدم رعایت یکسانی و هماهنگی در ترجمه قرآن، شتاب مترجمان در کار و ناآگاهی از مواضع جملات و آیه های مشابه است. اما این دلیل به هیچ رو قانع کننده نیست. آیا کسی که از دستور زبان عربی کم اطلاع است یا برای یافتن معنای ریشه ها و واژه ها جست و جوی تام نمی کند، عذرش در ترجمه نادرست یک متن عربی پذیرفته است؟ پذیرفته نیست و به همین دلیل آنان که بر آیات مشابه قرآن و انواع

هماهنگی‌های آن، احاطه کافی ندارند یا فرصت و توان مراجعه به معجم المفهرسِ الفاظ و ادوات و حروفِ قرآن را ندارند و یک واژه تک‌معنا یا ترکیبات، جمله‌ها و آیاتِ نظیر را به گونه‌های مختلف ترجمه می‌کنند، در کار خود موجه و دور از بازخواست نیستند.

روشن است که این ایراد مهم از جهتی بر تمام ترجمه‌ها وارد است، اما موارد اختلاف در ترجمه‌هایی مانند ترجمه حاضر و برگردان آقای کاظم پورجوادی و مرحوم الهی قمشه‌ای، افزون‌تر است. از سوی دیگر در مقایسه میان ترجمه‌های موجود، در چاپ اول ترجمه آقایان سید جلال‌الدین مجتبوی و بهاء‌الدین خرمشاهی و شادروان ابوالقاسم پاینده توجهی به رعایت این امر شده است.^۲ در این بخش پس از ذکر چند نمونه ساده از تفاوت ترجمه جملات یکسان در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، آیاتی را ذکر می‌کنیم که اختلاف در ترجمه آنها زیاد است.

۶۰. «اولی الالباب»: در بقره ۱۹۷/۲ «خرمندان»؛ در آل عمران ۷/۳ «صاحبان عقل»؛ در رعد ۱۹/۱۳ «صاحبان اندیشه»؛ در ابراهیم ۵۲/۱۴ «صاحبان مغز»؛ در ص ۴۲/۳۸ «اندیشمندان» ترجمه شده است.

۶۱. واثقوا بالله لعلکم تفلحون. «و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید» (بقره ۱۸۹/۲)؛ «و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید» (آل عمران ۳/۲۰۰).

۶۲. وماقدروا الله حق قدره. «خدا را آن‌گونه که باید بشناسند نشناختند» (حج ۷۲/۲۲)؛ «آنها خدا را درست نشناختند» (انعام ۹۱/۶)؛ «آنها خدا را آن‌گونه که شایسته است نشناختند» (زمر ۶۷/۳۹).

۶۳. جمله توصیفی «تجری من تحتها الانهار» به این صورت‌ها ترجمه شده است: «نهرها از زیر درختانش جاریست» (بقره ۲۵/۲)؛ «از زیر درختان آن نهرها بگذرد» (بقره ۲۶۵/۲)؛ «نهرها از پای درختانش می‌گذرد» (آل عمران ۱۵/۳)؛ «آب از زیر درختانش جاری است» (نساء ۱۳/۴)؛ «نهرهای آب از زیر درختانش جاری است» (رعد ۱۳/۲۵)؛ «نهرها در زیر آن جاری است» (عنکبوت ۵۸/۲۹)؛ «از زیر آنها نهرها جاری است» (زمر ۳۹/۲۰).

به جز دو ترجمه آخر، بقیه عبارت‌ها نادرست است. زیرا ضمیر در «تحتها» باید به «جَنَات» یا «عُرَف» بازگردد که موصوف‌اند. «درختان» افزوده مترجم است که در متن هیچ کدام از آیه‌ها نیامده است و به این دلیل، مترجم گاه آن را درون پرانتز نهاده‌اند:

«نهرها از زیر (درختان) آن جاری است» (حدید/۵۷/۱۲): «از زیر (درختانش) نهرها جاری است» (طلاق/۶۵/۱۱). این ترجمه آخری نیز صحیح نیست زیرا ترجمه ضمیر «ها» را نیز در داخل پرانتز قرار داده اند.

۶۴. ترجمه 'انزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرات رزقاً لكم در بقره/۲/۲۲ چنین است: «از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد تا روزی شما باشد» و در ابراهیم/۱۴/۳۲ چنین است: «از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد».

۶۵. ثم استسوی الی السماء. در بقره/۲/۲۹ ترجمه کرده اند: «سپس به آسمان پرداخت» و در فصلت/۴۱/۱۱ آورده اند: «سپس به آفرینش آسمان پرداخت».

۶۶. واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً+ولایقبل (یؤخذ) منها عدل: «از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود» (بقره/۲/۱۲۳): «و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه غرامت از او قبول خواهد شد» (بقره/۲/۴۸).

۶۷. فبدل الذین ظلموا قولاً غیرالذی قیل لهم. در ترجمه بقره/۲/۵۹ آورده اند: «اما افراد ستمگر، این سخن را که به آنها گفته شده بود، تغییر دادند». و در اعراف/۷/۱۶۲ ترجمه کرده اند: «اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند».

۶۸. خذوا ما آتیناکم بقوة واذکروا ما فیہ لعلکم تتقون. قسمت دوم این جمله را در بقره/۲/۶۳ ترجمه کرده اند: «و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ شاید پرهیزکار شوید!» و در اعراف/۷/۱۷۱ چنین گفته اند: «و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید،) تا پرهیزگار شوید!»

۶۹. انهم الا یظنون. در بقره/۲/۷۸ آورده اند: «تنها به پندارهایشان دل بسته اند». اما در جاثیه/۴۵/۲۴ چنین ترجمه کرده اند: «تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)!»

۷۰. قلوبنا غلف. «دلهای ما در غلاف است» (بقره/۲/۸۸): «بر دلهای ما پرده افکنده شده» (نساء/۴/۱۵۵).

۷۱. من اسلم وجهه لله. «کسی که روی خود را تسلیم خدا کند» (بقره/۲/۱۱۲):

«کسی که خود را تسلیم خدا کند» (نساء/۴/۱۲۵).

۷۲. تصریف الرِّیاح را در بقره/۲/۱۶۴ به «تغییر مسیر باده‌ها» ترجمه کرده‌اند و همین تعبیر را در جائیه/۴۵/۵ به «وزش باده‌ها» ترجمه کرده‌اند. ساختار و مضمون هر دو آیه یک‌گونه است.

۷۳. عبارت «غیر باغ ولاعاد» که سه بار - در بارهٔ جواز خوردنِ مردار در حالت اضطرار - آمده است، چنین ترجمه شده است: در بقره/۲/۱۷۳: «در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد»؛ در انعام/۶/۱۴۵: «بی‌آنکه خواهان لذت باشد یا زیاده روی کند»؛ در نحل/۱۶/۱۱۵: «در حالی که تجاوز و تعدی از حد ننمایند».

۷۴. فاخذهم الله بذنوبهم. «خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد» (انفال/۸/۵۲)؛ «خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت» (آل عمران/۳/۱۱)؛ «خدا هم آنان را گرفت (و کیفر داد)» (غافر/۴۰/۲۱). در این ترجمه آخری «بذنوبهم» را ترجمه نکرده‌اند.

۷۵. لا یتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (آل عمران/۳/۲۸) «افراد باایمان نباید به جای مومنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند». این برگردان فارسی بسیار متفاوت است با ترجمهٔ آیهٔ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ (نساء/۴/۱۴۴) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مومنان، کافران را ولی و تکیه گاه خود قرار ندهید».

۷۶. خذُوا حِذْرَكُمْ. «آمادگی دفاعی خود را (در برابر) دشمن حفظ کنید» (نساء/۴/۷۱)؛ «وسایل دفاعی (مانند زره و خُود) را با خود بردارید» (نساء/۴/۱۰۲).

۷۷. جملهٔ «و لا تبخسوا الناس اشیاءهم» که سخن حضرت شعیب علیه السلام به قومش است به سه گونه ترجمه شده است: «و از اموال مردم چیزی نکاهید» (اعراف/۷/۸۵)؛ «و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نکاهید» (هود/۱۱/۸۵)؛ «و حق مردم را کم نگذارید» (شعراء/۲۶/۱۸۳).

۷۸. لهم مغفرة ورزق كريم. با صرف نظر از ترجمهٔ «لهم»، چند برگردان متفاوت در ترجمهٔ آمده است: «آمرزش و روزی بی نقص و عیب» (انفال/۸/۴)؛ «آمرزش و روزی پرارزشی» (حج/۲۲/۵۰)؛ «آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای»

(انفال/۸/۷۴)؛ «آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی» (نور/۲۴/۲۶).

۷۹. ثم استوی علی العرش. «سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت» (یونس/۱۰/۳)؛
سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (حدید/۵۷/۴)؛ «سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت»
(فرقان/۲۵/۵۹ و سجده/۳۲/۴)؛ «سپس بر عرش استیلا یافت» (رعد/۱۳/۲)؛
«سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت» (اعراف/۷/۵۴).

۸۰. ربَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (یونس/۱۰/۸۵) «پروردگارا! ما را مورد
شکنجه گروه ستمگر قرار مده». این ترجمه متفاوت است با ربَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا (ممتحنه/۶۰/۵) «پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده».

۸۱. وَلَا تَخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنَّهُمْ مَغْرُقُونَ. «و درباره آنها که ستم کردند
شفاعت مکن، که همه آنها غرق شدنی هستند» (هود/۱۱/۳۷)؛ «و دیگر درباره ستمگران
با من سخن مگو، که آنان همگی هلاک خواهند شد» (مومنون/۲۳/۲۷).

۸۲. وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ. «و بخاطر (کارهای) آنها،
اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر» (نحل/۱۶/۱۲۷)؛
«و از (تکذیب و انکار) آنان غمگین مباش، و سینه ات از توطئه آنان تنگ نشود
» (نمل/۲۷/۷۰).

۸۳. جَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ. این جمله درباره امت های عذاب شده پیشین است. مترجم
محترم یک بار آن را ترجمه کرده اند: «آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که
تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند.)» و در جای دیگر آورده اند: «ما آنها را داستانهایی
(برای عبرت دیگران) قرار دادیم». یقیناً این گوناگونی ترجمه یا تفسیرهای مختلف از یک
موضوع و یک جمله در قرآن کریم صحیح نیست، به ویژه در جایی که این ترجمه
«پایه ای باشد برای ترجمه های دقیقتر قرآن به زبانهای دیگر جهان».^۳

۸۴. فَاذًا سَوِيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي... این آیه درباره خلقت حضرت
آدم علیه السلام است. ترجمه ابتدای آیه در حجر/۱۵/۲۹ چنین آمده است: «هنگامی که
کار آن را به پایان رساندم» و در ص/۳۸/۷۲ این گونه است: «هنگامی که آن را نظام
بخشیدم». «تسویه انسان به دست خداوند» در چند آیه دیگر قرآن کریم هم آمده است و
برگردان فارسی آن موارد نیز متفاوت با این دو است. فی المثل مترجم محترم در ترجمه
ابتدای آیه 'ثم سواه ونفخ فيه من روحه (سجده/۳۲/۹) آورده اند: «سپس (اندام) او را

موزون ساخت.».

۸۵. اِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِيْنَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. در ترجمه زمر/ ۳۹/ ۱۵ آورده اند: «زیانکاران واقعی آنانند که سرمایه وجود خویش و بستگانشان را در روز قیامت از دست داده اند». همین جمله را در شوری/ ۴۲/ ۴۵ چنین ترجمه کرده اند: «زیانکاران واقعی آنانند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده اند».

۸۶. فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ. ترجمه این جمله ساده که در چهار آیه آمده است بسیار متفاوت و ناهمسان است. در فاطر/ ۳۵/ ۲۶ گفته اند: «مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟!» و در ملک/ ۶۷/ ۱۸ آورده اند: «اما (ببین) مجازات من چگونه بود!». از میان این دو ترجمه، یکی جمله پرسشی است و دیگری امری؛ در اولی عبارت «نسبت به آنان» بدون پرانتز افزوده شده است و در دیگری هیچ نیامده است. در دومی «ببین» را افزوده اند و در اولی چنین نکرده اند. مترجم محترم ترکیبی از این دو جمله فارسی را در ترجمه آیه سبأ/ ۳۴/ ۴۵ آورده اند: «پس ببین مجازات من (نسبت به آنان) چگونه بود!» در اینجا پرانتز را از دو سوی کلمه «ببین» برداشته و به عبارت «نسبت به آنان» افزوده اند. آخرین ترجمه در حج/ ۲۲/ ۴۴ آمده است که با هر سه ترجمه پیشین اختلاف بنیانی دارد و عبارتی تازه است: «دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟!».

دقت در این چهار ترجمه که همگی معنای یک جمله ساده از قرآن کریم را بیان می کنند، نشان می دهد که در ترجمه حاضر، آوردن پرانتزها قاعده ای معین ندارد: کلمه یا عبارتی را که مترجم محترم در یک جا، افزوده خود می دانند و آن را درون پرانتز می نهند، در جای دیگر از کلام وحی می شمارند و آن را بدون پرانتز می آورند. نکته دیگر اینکه از این چهار ترجمه، دو مورد به گونه سؤالی و دوتای دیگر در قالب جمله امری ترجمه شده است. این دوگانگی در ترجمه «فکیف کان عقاب» در دو آیه رعد/ ۱۳/ ۳۲ و غافر/ ۴۰/ ۵ هم اتفاق افتاده است.

۸۷. اِنَّهٗ اَوْابٌ. این جمله قرآنی در سوره «ص» درباره سه تن از پیامبران - حضرت داوود، حضرت سلیمان و حضرت ایوب علیهم السلام - آمده است و سه ترجمه ناهمسان آن چنین است: «او بسیار توبه کننده بود» (آیه ۱۷)؛ «همواره به سوی خدا

بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود)» (آیه ۳۰)؛ «بسیار بازگشت‌کننده (به سوی خدا) بود» (آیه ۴۴).

۸۸. ولقد استهزئ برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ماکانوا به یستهزؤون. این آیه شریف عیناً در دو سوره قرآن کریم آمده است و دو ترجمه مترجم محترم از جمله ابتدای آن ناسازگار است. در انعام/ ۶/ ۱۰ آورده‌اند: «(با این حال، نگران مباش!) جمعی از پیامبران پیش از تو را استهزاء کردند» و در انبیاء/ ۲۱/ ۴۱ چنین گفته‌اند: «(اگر تو را استهزاء کنند نگران مباش)، پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزاء کردند». «رسل» را در ترجمه نخست، نکره گرفته‌اند ولی در ترجمه دوم معرفه [=الرسل] ترجمه کرده‌اند.

این اشکال درباره ترجمه جمله «فقد کذبت رسل من قبلک» نیز - که با کمی تفاوت در سه آیه آل عمران/ ۳/ ۱۸۴؛ انعام/ ۶/ ۲۴ و فاطر/ ۳۵/ ۴ آمده است - گفتنی است. دو تا از ترجمه‌ها چنین است: «رسولان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند»؛ «پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند».

۸۹. ولما (ان) جاءت رسلنا لوطا سیئ بهم وضاق بهم ذرعا. «هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دلتنگ شد» (عنکبوت/ ۲۹/ ۳۳)؛ «هنگامی که رسولان ما [=فرشتگان عذاب] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت و قلبش پریشان گشت» (هود/ ۱۱/ ۷۷). اشکال نخست آن که این آیه را به دو گونه متفاوت ترجمه کرده‌اند. دوم آن که برگردان جمله «ضاق بهم ذرعا» در هر دو مورد نادرست است. یک جا گفته‌اند: «دلتنگ شد» و بار دیگر گفته‌اند: «قلبش پریشان گشت». اما این ترجمه‌ها برای عبارت قبلی یعنی «سیئ بهم» مناسب‌تر است. معنی و مفهوم جمله «ضاق بهم ذرعا» آن است که حضرت لوط علیه السلام دستش از کمک به آنها کوتاه شد یا در یاری کردن آنان ناتوان شد و یا در تنگنا قرار گرفت.^۴

۹۰. لهم اللعنة ولهم سوء الدار. «لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت!» (رعد/ ۱۳/ ۲۵)؛ «لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است.» (غافر/ ۴۰/ ۵۲). در ترجمه دوم «سوء الدار»، از قبیل اضافه صفت به موصوف دانسته‌اند و در ترجمه نخست، نه.

۹۱. انّ ذلك من عزم الامور. «این از کارهای مهم و قابل اطمینان است» (آل عمران/ ۳/ ۱۸۶)؛ «این از کارهای مهم است» (لقمان/ ۳۱/ ۱۷)؛ «این از کارهای

بر ارزش است» (شوری/۴۲/۴۳).

۹۲. ضلّ عنهم ماكانوا یفترون. «معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان گم می شوند» (اعراف/۷/۵۳)؛ «چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می شوند» (یونس/۱۰/۳۰)؛ «تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می بستند، گم و نابود می شود» (نحل/۱۶/۸۷)؛ «آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست می دهند» (انعام/۶/۲۴)؛ «تمام آنچه افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد» (قصص/۲۸/۷۵)؛ «تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند» (هود/۱۱/۲۱). ضمناً در چهار ترجمه نخست از این آیه، کلمه «را» زاید است و نگارش فارسی جمله را غیر صحیح ساخته است.^۵

در خاتمه فصل، تذکار یک نکته مهم را لازم می دانم. پافشاری بر ترجمه هماهنگ و یکسان از جملات و تعبیرات مشابه، به این معنی نیست که واژه های مشترک لفظی (مانند فتح و امة) یا منقول (مانند صلاة) را به یک گونه معنی کنیم. کلمه های چند معنا نیز در قرآن وجود دارند؛ اما اولاً این الفاظ معین و محدودند و وجود الفاظ مشترک و منقول، ترجمه ناهماهنگ از کلمات دیگر را توجیه نمی کند. و ثانیاً همین الفاظ مشترک در مورد هریک از معانی خود، باید یکسان و هماهنگ ترجمه شوند.

و. بررسی برخی آیه ها که آزاد و غیر مطابق ترجمه شده است

در این بخش چند نمونه از آیه هایی را می آوریم که مترجم محترم آن ها را آزاد و غیر مطابق با متن قرآن کریم ترجمه کرده است. شاید ریشه این اشکالات به روش ایشان در ترجمه محتوا به محتوا بازگردد. اما ترجمه محتوا به محتوا را هرگونه معنا کنیم، یقیناً به معنای آن نیست که متن قرآن کریم را نادیده بگیریم و به دلخواه خود جمله ای ناموافق با ترکیب و ساخت آیه ها ترجمه کنیم. این نوع ترجمه، همان است که مترجم گرامی آن را «آزاد» نامیده اند و در یادداشت انتهایی ترجمه خود گفته اند که: «بدیهی است نمی توان نام ترجمه را بر آن نهاد».^۶ این سخن مترجم، صحیح است، اما تعجبی نیست که ترجمه محتوا به محتوای ایشان در بسیاری مواضع به همین آفت دچار است. زیرا مهم ترین ضعف این نوع ترجمه محتوا به محتوا، بی قاعدگی آن است. ضابطه مند نبودن این گونه ترجمه را با رجوع به چند مثال نشان می دهیم.

۹۳. فهدی اللّٰه الذّٰین آمنوا لما اختلفوا فیه من الحقّ باذنه (بقره/ ۲/ ۲۱۳) «خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری کرد».

ما اختلفوا فیه من الحقّ یعنی «حق [یا حقیقت] که در آن اختلاف می‌ورزیدند».^۷ در این آیه شریف آمده است که خداوند مومنان را به سوی حق رهنمایی کرد، همان حقی که همه در آن اختلاف کردند. اما مترجم محترم آیه را چنین در نظر گرفته اند: فهدی اللّٰه الذّٰین آمنوا لحقیقة ما اختلفوا فیه باذنه.

۹۴. مستهم الباساء والضراء وزلزلوا حتی یقول الرسول والذّٰین آمنوا معه متی نصرالله (بقره/ ۲/ ۲۱۴) «گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید و آنچنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد آمد». اشکال قبلی نحوی بود. اما ایراد این ترجمه، لغوی است. مترجم محترم «زلزلوا» را ترجمه کرده اند: «آنچنان ناراحت شدند» در هیچ منبعی لغوی قدیم یا جدید چنین ترجمه ای برای «زلزلوا» نیامده است. پاسخ این اشکال روشن است: ترجمه آیت الله مکارم شیرازی محتوا به محتوا است که «در این نوع ترجمه باید نخست معانی دقیقاً از لباس زیان اول برهنه شود و در مغز جای گیرد، سپس بطور دقیق به لباس زبان دوم آراسته گردد»^۸. اما مگر مترجم مجاز است که در ترجمه قرآن کریم این گونه پا را خارج از قواعد صرف و لغت و ادب عربی گذارد؟ اگر چنین ترجمه ای روا باشد، ترجمه واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات قرآنی در دست هیچ دو مترجمی یکسان نخواهد بود و این همان بی‌قاعدگی در ترجمه حاضر است که پیشتر به آن اشاره کردیم. افزون بر این خداوند- تبارک و تعالی- خود می‌توانست در این آیه، به جای «زلزلوا» بفرماید: ناراحت شدند [=سیئوا به]. پس همین دلیل کافی است که مترجمان نمی‌توانند به جای «زلزلوا» واژه ای دیگر را به فارسی ترجمه کنند و باید همان را ترجمه کنند که خداوند فرموده است.

ترجمه ای بهتر از همین فعل را که مترجم محترم در جای دیگر آورده اند، ذکر می‌کنیم: هنالک ابتلی المؤمنون وزلزلوا زلزالا شديدا (احزاب/ ۳۳/ ۱۱) «آنجا بود که مومنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند».

۹۵. یاایها الذّٰین آمنوا اتقوا اللّٰه حقّ تقاته (آل عمران/ ۳/ ۱۰۲) «ای کسانی که

ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید!». ضمیر «ه» را که در عبارت «حقّ تقاته» مضاف الیه است، ترجمه نکرده‌اند. این حذف جایز نیست. معنی آیه این است که از خداوند آن گونه که سزاوارِ پروای اوست بپرهیزید. اما مترجم محترم حقّ تقاته را به سان «حقّ التقوی» برگردانده‌اند. اگر این ترجمه روا و درست باشد، باید بتوانیم فی‌المثل به جای آیه‌های وجاهدوا فی الله حقّ جهاده (حج/۲۲/۷۸) و ماقدروا الله حقّ قدره (انعام/۶/۹۱؛ حج/۲۲/۷۴؛ زمر/۳۹/۶۷) چنین جمله‌هایی را ترجمه کنیم: وجاهدوا فی الله حقّ الجهاد؛ وماقدروا الله حقّ القدر. و قس علی هذا: فمارعوها حقّ رعایتها (حدید/۵۷/۲۷) یَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ (بقره/۲/۱۲۱).

۹۶. و لایحسبنّ الذّین یبخلون بما آتاهم اللّٰه من فضله هو خیرا لهم (آل عمران/۳/۱۸۰) «کسانی که بخل می‌ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است». این ترجمه تطابق ساختاری با متن آیه ندارد و اگر آن را به عربی برگردانیم چنین می‌شود: «ولایحسبنّ الذّین یبخلون و لاینفقون ما آتاهم اللّٰه من فضله هو خیرا لهم»

۹۷. سنلقی فی قلوب الذّین کفروا الرّعب بما اشركوا باللّٰه ما لم ینزل به سلطانا (آل عمران/۳/۱۵۱) «به زودی در دل‌های کافران، به خاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم». مترجم محترم در ترجمه «لم ینزل به سلطانا» فقط گفته‌اند: «بدون دلیل». بی‌تردید دلیل مترجم برای این عدول، استفاده از ترجمه محتوا به محتوا است. اما این عبارت در سه آیه دیگر هم آمده است و ترجمه استاد مکارم شیرازی از آن آیه‌ها به گونه‌ای دیگر است. مثلاً در ترجمه و یعبدون من دون اللّٰه مسالم ینزل به سلطانا (حج/۲۲/۷۱) گفته‌اند: «آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می‌پرستند که او هیچ‌گونه دلیلی بر آنها نازل نکرده است». آنچه را پیش از این، «بی‌قاعدگی در ترجمه محتوا به محتوا» نامیدیم، در اینجا نیز خود را می‌نمایاند؛ چنان که دیدیم عبارت «لم ینزل به سلطانا» را یک مترجم (نه مترجمان متعدد) به دو گونه ترجمه کرده است: «بدون دلیل» و «هیچ‌گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است».

۹۸. أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ (نساء/۴/۶۰) «به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند». «ما انزل من قبلک» را درست

ترجمه نکرده اند. ترجمه ایشان در این آیه، برگردان عبارت «ما انزل علی من قبلك» است. یعنی من (از حروف جارّه) را به من (موصول) تغییر داده اند. مترجم محترم، عبارت ما انزل من قبلك را در آیه های بقره/۲/۴ و نساء/۴/۱۶۲ درست ترجمه کرده اند: «آنچه پیش از تو نازل گردیده»

۹۹. ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون (انعام/۶/۹) «و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتماً وی را بصورت انسانی درمی آوردیم؛ باز (به پندار آنان)، کار را بر آنها مشتبه می ساختیم؛ همان طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می سازند!». کلمه «همان طور» در این برگردان فارسی نشان می دهد که مترجم محترم به جای آیه مذکور چنین جمله ای را ترجمه کرده اند: لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ كَمَا يَلْبَسُونَ، حال آنکه «مایلبسون» در این آیه مفعول فعل لبسنا است و افزودن همین «کاف» معنای آیه را بسیار دگرگون کرده است.

۱۰۰. وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَالًا وَاَوْقُلُوبِهِمْ وَاَجَلَهُمْ اَلَيْسَ لِي بِرَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (مومنون/۲۳/۶۰) «و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دل‌هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان بازمی گردند». ترجمه عبارت يُؤْتُونَ مَالًا کاملاً نادرست است. فعل های يُؤْتُونَ وَاَتُوا از باب افعال هستند و معنای آن‌ها دادن و بخشیدن است و اساساً هیچ گونه معنای انجام دادن، کوشش کردن و به جا آوردن طاعات در آن‌ها نیست. آن فعلی که معنای انجام دادن و ارتکاب می دهد، اَتَى یَأْتِي (ثلاثی مجرد) است مانند لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا (آل عمران/۱۸۸/۳)؛ اَفْتَأْتُونَ السَّحَر (انبیاء/۲۱/۳)؛ وَاِلَّا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ (توبه/۵۴/۹). اما فعل های يُؤْتُونَ وَاَتُوا (ثلاثی مزید) همواره به معنای دادن و بخشیدن هستند. در قرآن کریم، انفاق صدقه و اعطای زکات نیز با همین فعل‌ها (از باب افعال) بیان می شود (مانند آیه های بقره/۲/۲۷۷ و یوسف/۱۲/۶۶). بنابراین معنای ساده وَاَلَّذِينَ يُؤْتُونَ مَالًا چنین می شود: «و آنها که می بخشند آنچه را می بخشند» یا «آنها که بخشش (=انفاق) خود را می کنند». ممکن است ترجمه پیشنهادی دوم مطابق با اصل نباشد. از ترجمه نخست هم نباید تعجب کنیم؛ همانگویی در کار نیست. در بسیاری از آیات قرآن کریم، مفعول یا فاعل و یا نایب فاعل از جنس خود فعل است، مانند همین آیه مورد بحث. مثال های دیگر برای مفعول چنین است: مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ (فرقان/۲۵/۲۳)؛

وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الَّتِي فَعَلْتَ (شعراء/ ۲۶/ ۱۹)؛ اذ اوحينا الى امك مایوحی (طه/ ۲۰/ ۳۸).
 دو مثال برای فاعل می آوریم: مایَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ (فاطر/ ۳۵/ ۲۷)؛ فَعَشَاهَا مَا عَشَى
 (نجم/ ۵۳/ ۵۴) و یک مثال هم برای نایب فاعل این است: يُؤَفِّكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ
 (ذاریات/ ۵۱/ ۹).

۱۰۱. الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا
 جَهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ (توبه/ ۹/ ۷۹) «آنهايي که از مومنان اطاعت کار،
 در صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار
 (ناچیز) توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند».
 در برگردان این آیه نیز مسامحه ای رخ داده است و ترجمه حاصل، با متن قرآن
 تطابق ندارد. در این آیه قرآن کریم اشاره شده است که منافقان دو دسته از مومنان را
 طعنه می زنند (یلمزون) و همان دو دسته را مسخره می کنند (فیسخرون منهم)؛ اما در
 ترجمه آیت الله مکارم شیرازی آمده است که اینان دسته اول را طعنه می زنند و دسته دوم
 را تمسخر می کنند.

۱۰۲. اتَّخَذُوا آيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (منافقون/ ۶۳/ ۲) «آنها
 سوگندیشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا بازدارند». مترجم محترم در اینجا
 نیز از ظاهر آیه قرآن عدول کرده اند و «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» را به شکل «ليصدوا عن
 سبيل الله» ترجمه کرده اند. ترجمه همین جمله در مجادله/ ۵۸/ ۱۶ با متن قرآن تطابق
 بیشتری دارد: «آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و مردم را از راه خدا
 بازداشتند». البته مترجم در ترجمه دوم، فاء را تنها «عاطف» گرفته اند نه «سببی».

۱۰۳. ذَلِكِ بَانَ لِلَّهِ هُوَ الْحَقُّ (لقمان/ ۳۱/ ۳۰) «اینها همه دلیل بر آن است که
 خداوند حق است». این ترجمه کاملاً برخلاف و عکس آیه قرآن است. معنای کلام مترجم
 محترم آن است که اینها دلیل بر حقانیت خداوند است، اما در قرآن کریم آمده است که
 «اینها به دلیل حقانیت خداوند است» یا «حقانیت خداوند دلیل بر اینهاست». مترجم
 محترم در دو جای دیگر همین آیه را به دو گونه دیگر برگردانده اند که از این سه ترجمه،
 برگردان آخری صحیح است. در آیه حج/ ۲۲/ ۶ آورده اند: «اینها بخاطر آن است که
 (بدانید) خداوند حق است». و در حج/ ۲۲/ ۶۲ ترجمه کرده اند: «اینها بخاطر آن است که
 خداوند حق است».

ز. تقدیرهای دلخواه و متغایر

رسم است که مترجمان قرآن کریم برای حفظ امانت الهی و افزایش دقت ترجمه خود در مطابقت با متن قرآن، افزوده‌های توضیحی خود را درون قلاب [] یا بین‌الهالین () می‌گذارند. این کار هم به توضیح بیشتر آیات و فهم بهتر آنها کمک می‌کند و هم خواننده را آگاه می‌سازد که کدام کلمه‌ها، برگردان مستقیم از متن قرآن کریم است. ما این افزوده‌های توضیحی یا تفسیری را عجالتاً «تقدیر» می‌نامیم. از جمله نکات مهم در به‌کارگیری تقدیر، آن است که افزودن این توضیحات نباید قسمت‌های دیگر ترجمه را مخدوش یا بی‌معنا کند. افزوده‌های هر مترجم باید به گونه‌ای باشد که اگر تمام آن‌ها را از ترجمه فارسی برداریم، ساختمان جمله فارسی به هم نخورد و جمله فارسی باز هم کامل و بامعنا باشد. در بخش آخر مقاله (ح)، چند مثال از عدم رعایت این امر خواهد آمد. از جمله اشکال‌های مهم در ترجمه حاضر، متغایر بودن افزوده‌های توضیحی یا تقدیرها است. در بخش‌های پیشین مقاله (بخش ج و ه) گاه به نمونه‌هایی از تنوع و ناهمسانی این تقدیرها اشاره کردیم (مانند شماره‌های ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۱۰۳). اکنون مواردی روشن‌تر از این دست را می‌آوریم.

۱۰۴. **ومن یشاقق الله ورسوله فان الله شديد العقاب** (انفال/۸/۱۳) «و هرکس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می‌بیند) و خداوند شدیدالعقاب است!». همین جمله شرطیه به این‌گونه در حشر/۵۹/۴ آمده است: **ومن یشاقق الله فان الله شديد العقاب** و این بار برگردان مترجم چنین است: «و هرکس با خدا دشمنی کند (باید بداند که) خدا مجازات شدیدی دارد!».

۱۰۵. **خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصيم مبين** (نحل/۱۶/۴) «انسان را از نطفه بی‌ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشتن گردید!». جمله آخر در سوره یس/۳۶/۷۷ آمده است و تقدیر مترجم محترم متفاوت با اینجاست: **اولم يرالانسان انا خلقناه من نطفة فاذا هو خصيم مبين** «آیا انسان نمی‌داند که ما او را از نطفه‌ای بی‌ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست!». «

۱۰۶. **اولم يروا انا ناتي الارض نقصها من اطرافها** (رعد/۱۳/۴۱) «آیا ندیدند که

ما پیوسته به سراغ زمین می‌آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می‌کنیم؟!». ترجمه و تقدیر (افزوده) مترجم، متفاوت است با آیه افلا یرون انا ناتی الارض ننقصها من اطرافها (انبیاء/ ۲۱/ ۴۴) «آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (واهلش) می‌کاهیم؟!».

۱۰۷. وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ومساکن طیبة فی جنات عدن (توبه/ ۹/ ۷۲) «خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشتهای جاودان، (نصیب آنها ساخته)»

در ترجمه این آیه دو اشکال است. نخست آنکه «درختان» افزوده مترجم است. ایشان در واقع چنین جمله‌ای را ترجمه کرده‌اند: تجری من تحت اشجارها الانهار. پس اگر مترجم محترم این تقدیر را از خود افزوده‌اند، شایسته است که آن را بین الهالین بیاورند (مانند ترجمه ایشان در آیه حدید/ ۵۷/ ۱۲). اشکال دوم که بسیار مهم‌تر است، آن است که آخرین تقدیر یعنی عبارت (نصیب آنها ساخته) کاملاً زاید و اشتباه‌آفرین است. زیرا در متن آیه قرآن کریم آمده است که خداوند دو چیز به مومنان وعده داده است: نخست جنات «تجری من تحتها الانهار»، و دوم «مساکن طیبة فی جنات عدن». اما مترجم گرامی گفته‌اند: خداوند اولی را به مومنان وعده داده است و دومی را نصیب آنها ساخته.

ح. بررسی نگارش فارسی جملات و ویرایش ظاهری ترجمه

ساده و روان نویسی، اصل مهم مترجم در همه نوشته‌ها به ویژه در ترجمه قرآن است. «هدف این بوده است که ترجمه‌ای روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم برای همگان مخصوصاً نسل جوان تحصیل‌کرده امروز فراهم شود»^۹ با این حال ترجمه حاضر در برخی آیات گویایی و روانی فارسی را به همراه ندارد و یا بسیار تحت تاثیر نحو زبان عربی است.^{۱۰} گاه نیز جملات فارسی، دوپهلوست و گاه از اساس نادرست.^{۱۱} شاید نکته‌هایی را که در آخرین بخش این نوشتار طرح می‌کنیم، کم‌اهمیت بدانیم. البته در مقایسه با ایرادهای گذشته همین‌طور است، اما هدف این مباحث آن است که با ارایه چند نمونه از اشتباهات نگارشی به اهمیت بهره‌وری صحیح از زبان مقصد (فارسی) در ترجمه قرآن پی ببریم.

۱۰۸. ولاتكن للخائنين خصيما (نساء/۴/۱۰۵) «و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی!». در زبان فارسی باید این جمله را این گونه بگوییم: «و از کسانی مباش که از خائنان حمایت می کنند». البته پیشنهاد این ترجمه صرفاً برای تصحیح عبارت فارسی مترجم است، اما اگر بخواهیم ترجمه مطابق با متن آیه بیاوریم، فی المثل باید بگوییم: «حامی [یا مدافع] خائنان مباش».

۱۰۹. والذین يتوفون منكم ويذرون ازواجاً يتربصن بانفسهن اربعة اشهر وعشرا (بقره/۲/۲۳۴) «و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذراند، باید چهارماه و ده روز، انتظار بکشند». چه کسی باید انتظار بکشد؟ آنان که می میرند یا همسران ایشان. در متن آیه قرآن، به دلیل اختلاف ضمیرهای مونث و مذکر این اشتباه پیش نمی آید. بدیهی است که زنان باید عده نگاه دارند. اما در ترجمه فارسی، این انتظار کشیدن به صراحت به مردگان نسبت داده شده است؛ اگرچه بیشتر خوانندگان در نهایت پی می برند که اموات عده نگاه نمی دارند. و این التباسی که ترجمه فارسی ایجاد کرده است.

۱۱۰. ويعبدون من دون الله مالايملك لهم رزقا من السموات والارض شيئا (نحل/۱۶/۷۳) «آنها غیر از خدا، موجوداتی را می پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند». در ارجاع ضمیرها اشتباه و التباس پدید آمده است. این اشتباه در متن آیه قرآن کریم به دلیل اختلاف ضمیرها در مفرد و جمع بودن، پیش نمی آید، اما در برگردان آیت الله مکارم شیرازی روشن نیست که منظور از ضمیر «آنان» و شناسه «ند» در فعل «ندارند» چیست: آیا پرستندگان، اختیار هیچ رزقی برای بُت ها ندارند یا بُت ها اختیار هیچ رزقی برای پرستندگان خود ندارند؟ در قرآن کریم گونه دوم آمده است.

به سراغ ویرایش ظاهری و اشتباهات چاپی ترجمه می رویم. نمی توان از سهوهای چاپی جلوگیری کرد، اما بسیار شایسته و بل واجب است که در ترجمه قرآن هرچه بیشتر از خطاهای ویرایشی و مطبعی کاست و همت و وسواسی اکید در این راه صرف کرد. عدم رعایت این مسأله در چاپ های اول و دوم ترجمه حاضر، از زیبایی ظاهری آن بسیار کاسته است. (پیش از ذکر نمونه هایی از بی نظمی در ترجمه مورد اشاره، تأکید می کنیم که در طرح این سخنان چندان بحث علمی در کار نیست. این اشارات تنها و

تذکری است تا امر نشر و ترجمه قرآن به زبان های مختلف را بسیار جدی تر از ترجمه حاضر بگیریم و لااقل سیمای ظاهری آن را از کتاب های دیگر پایین تر نیاوریم).

۱۱۱. شماره آیات ۳۴ تا ۴۶ در سوره مرسلات، آیه ۱۴۴ آل عمران و آیه های ۹ تا ۲۰ از سوره صافات در ترجمه فارسی نیامده است.

۱۱۲. شماره آیات ۱۵ و ۱۶ در سوره طه، ۳ و ۴ و ۵ در سوره شعراء، ۹ جن، ۵۵ نساء و ۱۰۲ و ۱۰۳ در سوره مومنون جابه جا تایپ شده است.

۱۱۳. ترجمه آیه ۳۲ از سوره هود اشتباهاً در جای ترجمه آیه ۲۳ همین سوره آمده است و بالعکس.

۱۱۴. در ابتدای ترجمه بسیاری از آیه ها، افتادگی یا زیادی حروف و کلمات پدید آمده است، مانند: انعام/۶/۱۶؛ اعراف/۷/۲۶ و ۳۴؛ انفال/۸/۱۴ و ۲۷؛ توبه/۹/۴۰؛ رعد/۱۳/۳۱؛ انبیاء/۲۱/۱۱۰؛ حج/۲۲/۴۲؛ صافات/۲۷/۵۱ و ۱۰۰ و ۱۵۱؛ فصلت/۴۱/۴۹؛ قمر/۵۴/۴۲؛ تغابن/۶۴/۱۷؛ قلم/۶۸/۷ و ۱۱ و ۱۵؛ حاقه/۶۹/۳۲؛ فجر/۸۹/۲۹.

۱۱۵. نام گذاری سوره ها در برخی موارد هماهنگ و یکنواخت نیست، مانند موارد زیر:

نام سوره ۱۱۱ در متن قرآن، سوره المَسَد و در ترجمه، سوره تَبَّت و در بالای صفحه ۶۰۳، سوره ابی لهب آمده است. به همین ترتیب سوره ۱۰۳: سوره والعصر و سوره عصر. سوره ۹۹: سوره زلزال و سوره زلزله. سوره ۱۰۰: سوره «والعادیات» و سوره عادیات. سوره ۵۱: ذاریات و ذریات. سوره ۳۲: «الم سجده» و سجده. سوره ۴۱: حم سجده (فصلت) و فصلت. سوره ۹۴: سوره الشرح و سوره «الم نشرح» و سوره انشراح.

۱۱۶. استفاده از پرانتز برای نشان دادن افزوده ها و تقدیرهای مترجم، کاری مناسب و مرسوم است. اما این کار با اشکالاتی همراه شده است. نخست آنکه در برخی موارد اگر این پرانتزها و افزوده های داخل آن را برداریم، ساختمان جمله فارسی به هم می خورد. یکی دو مثال از این قرار است: «او مولودا (و سرپرست) ماست» (توبه/۹/۵۱)؛ «آنها و همسرانشان در سایه های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند» (یس/۳۶/۵۶). یک مورد دیگر بخشی از آیه بقره/۲/۱۵۰ است:

فلاتخشوهم واخشون ولاتم نعمتی علیکم ولعلکم تهتدون «از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید!» در این ترجمه علاوه بر اینکه آوردن پرانتز برای مشخص کردن افزوده های مترجم، روان، دقیق و به جا نیست، یک اشکال بزرگ دیگر هم به چشم می خورد: دو واوِ عاطف بی جهت حذف شده است و جمله های اتم نعمتی علیکم ولعلکم تهتدون از ماقبل جدا شده اند، حال آن که این جملات باید بر عبارت «لشأاً یکون للناس علیکم حجة» در همین آیه عطف شوند.

۱۱۷. استفاده از علایم سجاوندی برای ویرایش ظاهری نیز نظم و قاعده ای معین ندارد. در هر صفحه تعداد زیادی علامت تعجب (!) آمده است. بیشتر جملات به جای آن که به نقطه ختم شوند، با علامت تعجب به پایان می رسند: «ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم!» (مریم/۱۹/۱۲). دیگر علایم نیز به دلخواه و بدون ضابطه، جمله های فارسی را تقطیع و ویرایش کرده اند. این مطلب با دیدن چند جمله از ترجمه حاضر روشن می شود. اما از آنجا که در ابتدای این نوشتار، از اختلافات ویرایشی نیز سخن گفتیم، در اینجا تنها یک مثال برای اثبات این مدعا می آوریم. آیه تلك آیات الله نتلوها علیک بالحق در چند جای قرآن کریم آمده است. دو ترجمه از این آیه را با هم مقایسه می کنیم:

«اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم!» (بقره/۲/۲۵۲)

«اینها آیات خداست؛ که بحق بر تو می خوانیم.» (آل عمران/۳/۱۰۸)

ظاهر ویراسته این دو جمله یکسان، ۱۵ اختلاف دارد.

۱. نگاه کنید به لسان العرب؛ المنجد فی اللغة؛ المفردات فی غریب القرآن، ماده «نَسَأَ» و «نَسَى».

۲. آقای بهاء الدین خرمشاهی در ص ۶۴۵ از چاپ اول ترجمه خود به این اصل مهم در برگردان کلام وحی اشاره کرده اند.

۳. «سخنی پیرامون این ترجمه» در موزه ترجمه آیت الله مکارم شیرازی؛ نیز ر.ک: مجله «بیانات».

سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۷۳.

۴. معنای این عبارت در چند کتاب لغت و تفسیر المیزان چنین آمده است: يقال ضاق بالامر ذرعاً وهو كناية عن انسداد طريق الحيلة والعجز عن الاهتداء الى مخلص (الميزان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص ۳۳۷)؛ يقال ضقت بالامر ذرعاً: اذا لم تطقه ولم تقدر عليه (الصاح)؛ ضاق بالامر ذرعاً: شقّ عليه والاصل ضاق ذرعاً اي طاقتيه وقوته، فاسند الفعل الى شخص ونصب الذرع على التمييز (مصباح المنير)؛ ضاق بهم ذرعاً اي: عجز عنهم (المفردات في غريب القران، راغب اصفهانی، ص ۳۰۰).

۵. در این باره نگاه کنید به: دستور زبان فارسی، پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس، صص ۲۶۹-۳۲۰؛ غلط ننویسیم (فرهنگ دشواریهای زبان فارسی)، ابوالحسن نجفی، صص ۲۰۲-۲۰۳.

۶. «سخنی پیرامون این ترجمه» در مؤخره ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۷. «من» در «من الحق» بیانی است و روشن کننده ابهام «ماختلفوا فيه» است.

۸. «سخنی پیرامون این ترجمه» در مؤخره ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

۹. همان.

۱۰. مانند ترجمه این آیه ها: انا بما ارسلتم به كافرون (سبأ/۳۴)؛ لفي شك منه (نساء/۱۵۷)؛ الحمد لله فاطر السموات والارض (فاطر/۱/۳۵).

۱۱. مانند افزودن «را» بعد از نهاد جمله که در شماره ۹۲ همین مقاله بدان اشاره شد. و مانند مواردی که در شماره های ۱۰۸ تا ۱۱۰ آمده است.